

اخبار و گزارش های کارگری 24 شهریورماه 1403

- 25 نفر از زنان زندانی سیاسی محبوس در بند زنان اوین، به مناسبت دومین سالگرد قیام ژینا، با آتش زدن شال، اعتراض خود را نسبت به اعمال حجاب اجباری توسط حاکمیت، ابراز داشتند. همچنین آنها با سرودخوانی و سردادن شعارهای اعتراضی، خواهان لغو احکام اعدام شدند.

- فراخوان تجمع فعالان حقوق زن سنندج، فردا یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۳

- بیانیه کانون نویسندگان ایران

«زن، زندگی، آزادی»؛ بانگ بلند آزادی خواهی!

- تجمع اعتراضی کارگران عملیاتی مناطق نفتخیز و ملی حفاری نسبت به کسورات حقوق و مزایای سکو

- ادامه تجمع اعتراضی کارگران پیمانی شرکت مخابرات آذربایجان شرقی نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت بقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات و وعده های توخالی مقابل اداره مرکزی استان

- اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه آهک هیدراته چرام در اعتراض به عدم پرداخت 5 ماه حق بیمه

- تجمع اعتراضی کامیونداران لامرد نسبت به توزیع ناعادلانه بار و حمل پودر آلومینا مقابل فرمانداری

- بیانیه‌ی انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه)، در رابطه با اخذ وجه غیرقانونی و سیستماتیک توسط یکی از کارمندان اداره‌ی آموزش و پرورش شهرستان سقز از تعدادی از اولیای دانش‌آموزان

- پیام قدردانی رضا شهابی

- یک کارگر بر اثر سقوط کابین جرثقیل جان خود را از دست داد

* 25 نفر از زنان زندانی سیاسی محبوس در بند زنان اوین، به مناسبت دومین سالگرد قیام ژینا، با آتش زدن شال، اعتراض خود را نسبت به اعمال حجاب اجباری توسط حاکمیت، ابراز داشتند. همچنین آنها با سرودخوانی و سردادن شعارهای اعتراضی، خواهان لغو احکام اعدام شدند.

برخی از شعارهای اعتراضی عبارتند از:

▪ صدور حکم اعدام، انتقام حاکمان، از زنان و کردستان تا هر گوشه‌ی ایران

▪ سر برود، جان برود، آزادی از بین نرود

▪ اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا...

بند زنان اوین، شنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۳

فراخوان تجمع فعالان حقوق زن سنندج، فردا یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۳

جمعی از فعالان حقوق زنان سنندج، با در دست داشتن تصاویری از #زینب_جلالیان، #پخشان_عزیزی، #وریشه_مرادی، #نسیم_غلامی_سیمپاری و #شریفه_محمدی فراخوان تجمع اعتراضی در شهر سنندج را قرائت کردند.

آنها در این ویدئو اعلام کردند: «زنان مبارز سنندج، در دومین سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی و بهیاد جانباختگان انقلاب ژینا برای گرامی‌داشت بیش از ۴ دهه جانباختگان عزیزمان، بر سر مزار آنها تجمع می‌کنیم و از فراخوان #اعتصاب_عمومی_کردستان حمایت می‌کنیم».

فعالان حقوق زنان سنندج

تجمع در روز یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۳

منبع 2 گزارش بالا: کانال بیدارزنی

*بیانیه کانون نویسندگان ایران

«زن، زندگی، آزادی»؛ بانگ بلند آزادی‌خواهی!

روزی نیست که خیابان‌های ایران از جلوه‌های مقاومت زنان خالی باشد. آنچه از پس قتل مهسا (ژینا) امینی زاده شد، جنبش آزادی‌خواهی دیرپای مردم ایران را از دشوارترین گردنه‌ها عبور داد. زنان که از نخستین روزهای استقرار جمهوری اسلامی مقابل سرکوب دامن‌گیر آن ایستاده و خود را تنها یافته بودند، در سال ۱۴۰۱ بخشی تعیین‌کننده از جنبش آزادی‌خواهی شدند. امروز دیگر نمی‌توان میان برابری‌طلبی زنان و دیگر خواسته‌های ستم‌ستیزانه مرزی آشکار گذاشت. جنبش ۱۴۰۱ جمع پراکنده‌ی آزادی‌خواهان را گرد هم آورد و نشان داد که کوشش‌های آنان زمانی پایه‌های استبداد را می‌لرزاند که به پیکری واحد بدل شوند. اکنون خواسته‌های زنان تنها منحصر به خودشان نیست بلکه به بخشی جدایی‌ناپذیر از مطالبات دانشجویان، اصناف، کارگران، بازنشستگان و دیگر تشکلهای بدل شده است. همان‌گونه که امروز آزادی بیان به‌واقع خواسته‌ای همگانی است.

در مقابل، حکومت نیز کماکان راه ارباب و اختناق را پیموده و «خدای دهه‌ی شصت» در این دو سال نیز به شیوه‌های گوناگون فتاوی سرکوب صادر کرده است. برخی معترضان همچنان در زندان به سر می‌برند، دادخواهان همچنان زیر ضرب نیروهای امنیتی‌اند، آزار خانواده‌ی کشته‌شدگان بی‌وقفه و گاه با فشارهای اقتصادی ادامه یافته است، فعالان صنفی و مدنی در گیرودار بازداشت و محاکمه‌اند، نویسندگان و هنرمندان زیر تیغ «پرونده‌های باز» رفته‌اند و زنان کماکان با هراس از ربوده شدن قدم به خیابان‌ها می‌گذارند.

پس از انتخابات اخیر نیز حکومت نمایشی تازه را آغاز کرده که یکی از ارکان آن سندی با عنوان «قانون برنامه‌ی هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی» است. متنی که به‌روشنی نشان می‌دهد «پیشرفت» برآمده از آن جز نتیجه‌ی اجرای شش سند پیشین نخواهد بود. بخش‌های گوناگون این متن، «توسعه‌ی

شبکه‌ی ملی اطلاعات»، «راه‌اندازی سامانه‌ی رصد»، «استقرار فریضه‌ی الهی امر به معروف و نهی از منکر» و ... پیشاپیش تکلیف زن، زندگی و آزادی را روشن کرده‌اند؛ سندی برای تداوم سرکوب آزادی و تجهیز بیش از پیش حکومت به قوانینی که دخل و تصرف در زندگی مردم را ممکن، و آزادانه زیستن را ناممکن می‌کند. عنوان فصل ۱۶ آن نیز گواه نگاه جمهوری اسلامی به زن است: «زن، خانواده و جمعیت»؛ زنی که ماشین زاد و ولد حکومت است، باید «تربیت» شود و «الگوی زن مسلمان» باشد. و باز هم ناگفته پیداست که این «تربیت» همان مطیع و رام کردن به ضرب تیر و تازیانه است، همان «ارشاد» با زنده‌گیری و پتویچ کردن و کشتن.

بازخوانی اسناد و قوانینی که قواعد اختناق را تنظیم می‌کنند، گشودن دریچه‌ای است تا از آن به دهه‌ها سرکوب بی‌امان، کشتار معترضان و «جراحی» به‌جان‌آمدگان بنگریم و یقین کنیم که هر تغییری تنها با نیروی مردمان، و نه با وفاق حاکمان، ممکن می‌شود. یادکرد جنبش «زن، زندگی، آزادی» یادآوری همین یقین است؛ زنگ بیدارباش و به‌هوش بودن. گو این‌که گاه گذر زمان، در سایه‌ی سرکوب نفس‌گیر، نسیان به بار می‌آورد و گرد نومیدی می‌پراکند؛ پس گرامی باد دومین سالگرد جنبش آزادی‌خواهانه‌ی ۱۴۰۱

کانون نویسندگان ایران با اتکا به بند اول منشور خود، خواست آزادی بیان را که بخشی جدایی‌ناپذیر از بدنه‌ی جنبش‌های اجتماعی است، به دستاوردهای جنبش «زن، زندگی، آزادی» پیوند می‌زند و بار دیگر، به بانگ بلند، حمایت خود را از خواسته‌های برحق مردم، دادخواهان و زندانیان سیاسی اعلام می‌کند.

کانون نویسندگان ایران

۲۴ شهریور ۱۴۰۳

***تجمع اعتراضی کارگران عملیاتی مناطق نفتخیز و ملی حفاری نسبت به کسورات حقوق و مزایای سکو**

روزشنبه 24 شهریور



***ادامه تجمع اعتراضی کارگران پیمانی شرکت مخابرات آذربایجان شرقی نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت بموقع حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات و وعده های توخالی مقابل اداره مرکزی استان**

روزشنبه 24 شهریور، کارگران پیمانی شرکت مخابرات آذربایجان شرقی (شرکت شسکام) در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت بموقع حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات و وعده های توخالی برای باری دیگر دست به تجمع مقابل اداره مرکزی استان زدند.

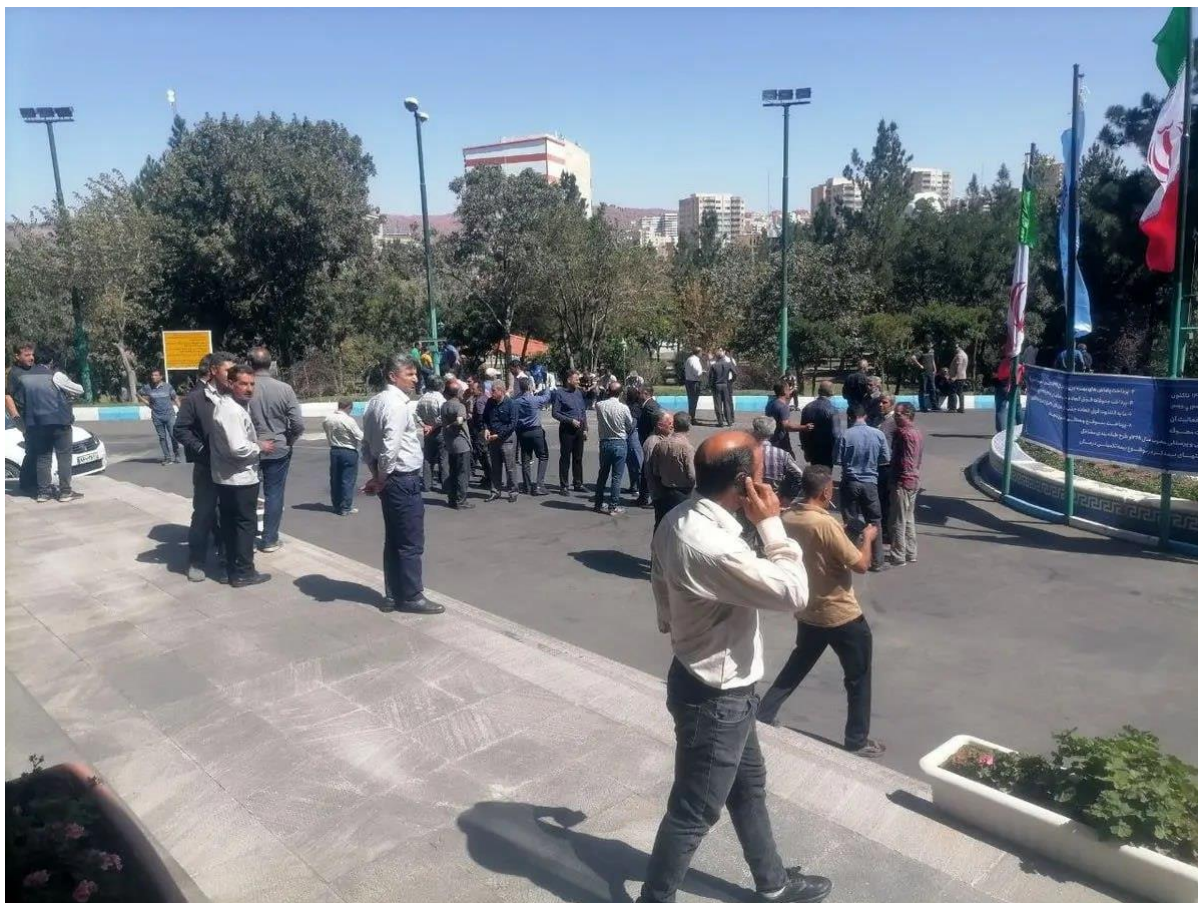


تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: روز شنبه 17 شهریور ماه و به دنبال تجمعات چند روزهی نیروها، با نماینده تام الاختیار مخابرات جلسه ای داشتیم و ایشان وعده هایی به ما دادند که بعد از گذشت چند روز و اتمام موعد مقرر، وعده ها تحقق نیافت و پوچ و بدون پشتوانه بودن این وعده ها بیش از پیش برای ما محرز شد .

آنها اضافه کردند: تا احقاق حقوق کامل خود که شامل تمام معوقات، تمام موارد قرارداد، تمام کسورات و حق بیمه و طبقه بندی مشاغل و غیره است، در محل اداره ی مرکزی استان آذربایجان شرقی حضور یافته و خواهان پاسخگویی هستیم.

در همین رابطه: ادامه اعتراضات کارگران پیمانی شرکت مخابرات آذربایجان شرقی نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت بموقع حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات با برپایی تجمع مقابل ساختمان مرکزی مخابرات تبریز

روز شنبه 17 شهریور، کارگران پیمانی شرکت مخابرات آذربایجان شرقی در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت بموقع حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات مقابل ساختمان مرکزی مخابرات تبریز تجمع کردند.



تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: حقوق ناچیز نیروها را با تأخیر پرداخت می‌کنند و حق بیمه را مرتب واریز نمی‌کنند و این موضوع سبب شده نیروها از جیب خود هزینهی درمان خانواده‌هایشان را پرداخت کنند. یعنی در حالیکه از حقوق ما برای بیمه کسر می‌شود، خدمات دریافت نمی‌کنیم.

آنها افزودند: سالهاست بابت عدم اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی معترضیم، اما مدیران توجهی به خواسته‌ی ما نمی‌کنند. طبق قانون، همان طبقه‌بندی‌ای که برای نیروهای قرارداد مستقیم اجرا می‌شود، باید برای نیروهای پیمانکاری هم اجرا شود، اما در مخابرات، شرکت شسکام طبقه‌بندی خاص خود را دارد و در این مورد، از شرکت مادر تبعیت نمی‌کند.

آنها ادامه دادند: شرکت شسکام، طرح طبقه‌بندی خود را هم به درستی اجرا نمی‌کند و حقوق نیروهای پیمانکاری، با وجود سنگینی کار بسیار کم است.

آنها همچنین با اعتراض به پرداخت هزینه‌ی بالا برای بیمه تکمیلی و دریافت خدمات ناچیز، اضافه کردند: بیمه تکمیلی‌ای که برای ما انتخاب کرده‌اند، سودی به حال ما ندارد. بالاترین نرخ را می‌پردازیم و کمترین خدمات را دریافت می‌کنیم.

آنها گفتند: عدم پرداخت مانده سنوات و مانده مرخصی در دو سال اخیر و عدم تغییر گروه نیروها در 4 سال گذشته، از دیگر دلایل اعتراض این نیروهاست.

آنها ادامه دادند: قرارداد ما را 3 ماهه تمدید می‌کنند و حتی حاضر نیستند قرارداد نیروها را یکساله تمدید کنند. به همین دلیل عدم پرداخت به موقع حق بیمه سبب می‌شود که خدمات درمانی نیز به نیروها تعلق نگیرد.

***اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه آهک هیدراته چرام در اعتراض به عدم پرداخت 5 ماه حق بیمه**

روزشنبه 24 شهریور، کارگران کارخانه آهک هیدراته چرام برای اعتراض به عدم پرداخت 5 ماه حق بیمه دست به اعتصاب و تجمع زدند.



***تجمع اعتراضی کامیونداران لامرد نسبت به توزیع ناعادلانه بار و حمل پودر آلومینا مقابل فرمانداری**

طی روزهای گذشته کامیونداران لامرد برای اعتراض به توزیع ناعادلانه بار و حمل پودر آلومینا مقابل فرمانداری این شهرستان در استان فارس زدند.

برپایه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 24 شهریور، جمعی از کامیون داران لامردی مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار و نسبت به حمل پودر آلومینا در توزیع بار به شدت گلایه کردند، آنان تاکید داشتند وقتی که بار در اسکله کوشکنار در فاصله 90 کیلومتری تا لامرد را می توان بارگیری کرد، چه لزومی دارد بارگیری ها از اسکله شهید رجایی بندرعباس صورت گیرد و همین امر باعث بیکاری رانندگان و به مخاطره افتادن معیشتشان شده است.

***بیانیه‌ی انجمن صنفی معلمان کوردستان (سقز و زیویه)، در رابطه با اخذ وجه غیرقانونی و سیستماتیک توسط یکی از کارمندان اداره‌ی آموزش و پرورش شهرستان سقز از تعدادی از اولیای دانش‌آموزان**

روزشنبه 24 شهریور، انجمن صنفی معلمان کوردستان (سقز و زیویه)، بیانیه ای بشرح زیر در رابطه با اخذ وجه غیرقانونی و سیستماتیک توسط یکی از کارمندان اداری آموزش و پرورش شهرستان سقز از تعدادی از اولیای دانش‌آموزان، منتشر کرد:

"هر چه بگنند نمکش می‌زنند وای به روزی که بگنند نمک"

همکاران معزز، اولیای گرامی و دانش‌آموزان عزیز

آموزش و پرورش محل تعلیم و تربیت صحیح، اعتمادسازی، صداقت و راستی، همدلی، تعاون و دهها صفت نیک دیگر است، محل انسان‌سازی به معنای واقعی، امانتداری و دوری از خیانت به هموعان است. اگر آموزش و پرورش از مسیر اصلی خود منحرف گردد باعث تباهی و نابودی جامعه می‌گردد، چیزی که متأسفانه اکنون به دلیل سوءاستفاده و بی‌کفایتی مسولان آموزش و پرورش شاهد آن هستیم.

آموزش در نظام جمهوری اسلامی بر اساس نص صریح قانون اساسی در اصل ۳۰، باید رایگان باشد. اما همگان شاهد آنیم که اجرای این اصل مهم، دغدغه و مسئله مسولان نیست و با نادیده گرفتن آن آموزش با کیفیت در ایران تبدیل به کالای لوکسی شده که تنها قشر برخوردار و مرفه جامعه را توان تهیه و بهره‌مندی از مواهب آن است و عامه‌ی فرزندان کشور از آن بی‌بهره‌اند؛ با دقت در نتایج کنکور اخیر متوجه درستی این ادعا خواهیم شد و در یک کلام ردپای مفهومی به نام عدالت آموزشی به کلی در حال از بین رفتن است.

حال در تکمیل این همه ناعدالتی، پدیده‌ای تحت‌نام هدایت‌تحصیلی دانش‌آموزان پایه نهم و معرفی به دبیرستان‌های دوره‌ی دوم دستاویز عده‌ای سودجو قرار گرفته تا برای انتخاب رشته آن‌دسته از دانش‌آموزانی که به هر دلیل در فرآیند هدایت تحصیلی دچار مشکل شده و با موانع ساختگی ناشی از وجود بروکراسی‌های دست و پاگیر اداری مواجه گشته‌اند، از اولیای چنین دانش‌آموزانی طلب مبالغ هنگفتی نموده و تامین این وجه غیرقانونی، غیراخلاقی و غیرعرفی را به سبب اقتصادی خانواده‌های چنین دانش‌آموزانی تحمیل نموده‌اند.

سوال اینجاست، چرا حاکمیت، معلمان پاک و صادقی که هم و غم آنان ساختن آینده‌ی فرزندان این مرز و بوم است و برای دفاع از حق معلمان و دانش‌آموزان در برابر ظلم و بی‌عدالتی به مبارزه‌ای کاملاً صنفی و قانونی برمی‌خیزند، را بر نمی‌تابد و با آنان به صورت‌های مختلف: اخراج، انفصال از خدمت، بازنشستگی اجباری، کسر گروه، حذف رتبه‌بندی، زندان، تبعید، توییح و ... برخورد می‌کند اما با کسانی که خیانت در امانت می‌کنند، رشوه می‌گیرند و باعث بی‌اعتمادی دانش‌آموزان و اولیای آنان نسبت به آموزش و پرورش می‌گردند برخوردی صورت نمی‌گیرد؟! یا حداقل افکار عمومی از صورت گرفتن آن مطلع نمی‌گردد!!

مدیریت آموزش و پرورش استان و شهرستان که داعیه‌دار دفاع از حقوق دانش‌آموزان هستند و به خاطر این شعارشان حاضرند حقوق بیش از ۴۰۰۰ هزار فرهنگی را پایمال و آنان را آزار دهند، اکنون چه پاسخی برای دفاع از حقوق دانش‌آموزان دارند!؟

انجمن صنفی معلمان کوردستان همواره پیشگام و مدافع حقوق پایمال شده‌ی معلمان و دانش‌آموزان بوده، است و خواهد بود و در برابر چنین ظلم آشکار و بی‌عدالتی کوتاه نخواهد آمد و به مسئولان یادآوری می‌نماید تا دیر نشده جلو این بی‌بندوباری و بی‌احترامی آشکار به جامعه فرهنگیان و دانش‌آموزان را گرفته و رسماً از خانواده بزرگ فرهنگیان به صورت عام و به صورت خاص از تمامی اولیا و دانش‌آموزانی که بابت حل مشکل هدایت تحصیلی مجبور به حضور در بازی کثیف و از پیش طراحی شده سودجویان گشته‌اند، عذرخواهی نموده و بیش از این با روح و روان دانش‌آموزان و اولیای آنان بازی نکند.

***پیام قدردانی رضا شهابی**

اعضای خانواده عزیزم، وکلای گرامی، همکاران، دوستان، آشنایان، کارگران و فعالین کارگری و مدنی، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و دیگر تشکل های کارگری، معلمان، و بازنشستگان، زنان، دانشجویان و همچنین اتحادیه ها، فدراسیونها، سازمانها، رسانه ها و نهادهای مدافع حقوق کارگری و انسانی در سراسر جهان.

با سلام و احترام؛

بدینوسیله از همه شما عزیزان که در مدت دستگیری، دادگاهی شدن و دوران حبس بنده، به انحای مختلف از من و خانواده ام حمایت کردید و ما را تنها نگذاشتید و همچنین آن دسته دوستانی که با خرید از محصولات غذایی خانگی شهابی، همسر و فرزندانم را یاری کردند کمال قدردانی و تشکر را دارم.

همبستگی و همدلی یگانه راه ما کارگران برای نیل به اهداف و مطالبات مان و همچنین برای برقراری برابری و عدالت از جمله لغو مجازات غیر انسانی اعدام و آزادی دیگر زندانیان سیاسی، مدنی و صنفی از جمله شریفه محمدی، پخشان عزیز، ریحانه انصاری نژاد، گلرخ ایرایی، نسرین جوادی، ناهید خداجو، سروناز احمدی، آنیسا اسداللهی، داود رضوی، ابراهیم مددی، اسماعیل گرامی، کامیار فکور، و کلیه زندانیان جنبش زن، زندگی، آزادی است.

برای همه شما آرزوی سلامتی و موفقیت دارم.

با احترام،

رضا شهابی

کارگر اخراجی و عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

شنبه - ۲۴ شهریور ۱۴۰۳

به امید برقراری عدالت در ایران و سراسر جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۴ شهریور ۱۴۰۳

***یک کارگر بر اثر سقوط کابین جرثقیل جان خود را از دست داد**

روز جمعه ۲۳ شهریور ۱۴۰۳، یک کارگر اهل اشنویه بانام «صادق معروفی‌آذر» ۳۰ ساله بر اثر سقوط کابین جرثقیل در محله «رحیم آباد» این شهر جان خود را از دست داد.

برگرفته از کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران

akhbarkargari2468@gmail.com